

## تعیین رابطه بین شیوه فرزند پروری سهل گیرانه با خلاقیت دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی

### The relationship between permissive parenting style and the creativity of sixth grade female students

Nirvana Alimohammadi

Master in Educational Science, Department of Psychology, Islamic Azad University, Malayer Branch, Malayer, Iran.

Email: [nirvanaalimohammadi@yahoo.com](mailto:nirvanaalimohammadi@yahoo.com)

نیروانا علی محمدی \*

کارشناسی ارشد علوم تربیتی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی ملایر، واحد ملایر، ملایر، ایران.

#### Abstract

The present study aimed to investigate the relationship between parenting styles and creativity of sixth grade female students. A research sample consisted of 30 students was selected out of all students (1807) using the accessible sampling method. The parenting style questionnaire by Diana Baumrind (1974) and the creativity scale by Abedi (2002) were used to collect information. The Pearson correlation coefficient was used to analyze the data. According to the findings, there was a positive and significant relationship between permissive parenting style and the creativity of 6<sup>th</sup> grade female students.

**Keywords:** achievement motivation, study habits, parenting style, students.

#### چکیده

در پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین شیوه فرزند پروری سهل گیرانه با خلاقیت دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی پرداخته شد. برای این منظور نمونه‌ای به حجم ۳۰ نفر، از کل دانشجویان (۱۸۰۷) با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردید و برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزند پروری دایانا بامریند (۱۹۷۴) و خلاقیت عابدی (۲۰۰۲) استفاده شده است. به منظور تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد، بین شیوه‌های فرزند پروری والدین سهل گیرانه با خلاقیت دانش آموزان دختر پایه ششم رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** انگیزه پیشرفت، عادت‌های مطالعه، سبک‌های فرزند پروری، دانش آموزان.

|                   |                  |                 |
|-------------------|------------------|-----------------|
| نوع مقاله: پژوهشی | دریافت: مهر ۱۴۰۰ | پذیرش: آذر ۱۴۰۰ |
|-------------------|------------------|-----------------|

#### مقدمه

در جامعه کنونی اهمیت نیاز به کودکان خلاق و آفریننده به عنوان منابع انسانی فردا، بر کسی پوشیده نیست. پرورش کودکان و نوجوانان خلاق و با انگیزه برای رفع تنگنایهای موجود و ابداع و خلق روش‌ها و فنون منتهی به خودکفایی و رهایی از وابستگی، حائز اهمیت است (فراهینی و همکاران، ۱۳۹۲).

خلاقیت به مثابه برترین ویژگی ذهنی انسان مولد و متفکر، خود نشانی است از رشد متعادل و متعالی شخصیت و پاسخی است به نیاز همیشه انسان به شکافتن بن بست‌ها و راه یافتن به فراترها. براین اساس یکی از آرزوهای بزرگ آموزش پرورش، تربیت دانش آموزان خلاق می‌باشد، به همین دلیل شناسایی عوامل مؤثر بر خلاقیت یکی از موضوعات اساسی پژوهش‌ها بوده است. تحقیقات انجام شده در زمینه خلاقیت نشان می‌دهد برخلاف نظریه پردازان گذشته که خلاقیت را فرآیندی ارثی و ذاتی تلقی

می کردند، خلاقیت را می توان به کودکان و نوجوانان آموزش داد؛ به عبارت دیگر واقعیت این است که همه با این استعداد پا به دنیا می گذارند و این آموزش و تجربه است که می تواند زمینه شکوفایی و غنا بخشیدن هر چه بیشتر به این استعداد را فراهم آورد (جهانی، ۱۳۸۵).

ارتباط والدین و فرزندان از جمله موارد مهمی است که سال ها نظر صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. خانواده نخستین جایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می آورد. کودک در خانواده پندارهای اولیه را درباره جهان فرامی گیرد، از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می یابد، شیوه های سخن گفتن را می آموزد، هنجارهای اساسی رفتار را یاد می گیرد و سرانجام نگرش ها اخلاق و روحیاتش شکل می گیرد و به عبارتی اجتماعی می شود (حسینی نسب و همکاران، ۱۳۸۴).

تورنس<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) ایجاد فرصت برای پرورش خلاقیت برای هر جامعه را امری حیاتی می داند. امروزه در کشورهای توسعه یافته، شکوفایی و پرورش خلاقیت دانش آموزان از مهم ترین هدف های آموزش و پرورش به شمار می رود (سلیمانی، ۱۳۸۱). در کشور ما تاکنون به دلایل مختلف کمتر به پژوهش و بررسی اساسی پرورش خلاقیت دانش آموزان، پرداخته شده و در این زمینه برنامه ریزی های چندانی نشده است.

به باور بیشتر پژوهشگران شیوه های سنتی خانواده و آموزش و پرورش نه تنها به رشد خلاقیت کودکان کمکی نمی نمایند بلکه آنان را از حرکت در این راستا باز می دارند (آما بیل<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶).

بنابراین، اگر والدین و آموزگاران در حد امکان، فضای مناسب و مطمئن در خانواده و کلاس درس پدید آورند و از روش های آموزشی فعال و اکتشافی بهره گیرند، دانش آموزان را در راستای بهره برداری از نیروی خلاق خویش یاری نموده اند (حسینی، ۱۳۸۷).

اسبورن<sup>۳</sup> (۱۹۶۶) و تورنس (۱۹۹۰) باور دارند که همه افراد کمابیش می توانند خلاق باشند و پرورش توانمندی های فکری، زیربنای خلاقیت است. همچنین افراد برای اینکه بتوانند خلاق باشند، باید روش های درست اندیشیدن را به آنها آموخت و در این صورت همه افراد این توانایی را به دست خواهند آورد که از خود خلاقیت نشان دهند (دبونو<sup>۴</sup>، ۱۹۸۶).

ویلیام جیمز<sup>۵</sup> تقریباً حدود یک قرن پیش به مسئله خلاقیت اشاراتی داشته و ضمن برشمردن دوران کودکی به عنوان سرآغاز روند تفکر خلاق می گوید: ما همه توانایی و استعداد خلاق بودن را داریم، ولی متأسفانه در طول زندگی و در مسیرهای آموزش و تعلیم یاد می گیریم که غیرخلاق باشیم یا بپذیریم که یکی خلاق و دیگری غیرخلاق شود (مفیدی، ۱۳۷۱).

با فرض اینکه والدین و مربیان از مهم ترین عوامل حمایت کننده بروز خلاقیت کودکان هستند ضروری خواهد بود که برنامه آگاه سازی خانواده ها، معلمان و مسئولان آموزشی کشور در این خصوص با اهمیت تلقی گردیده و شناخت شیوه های تقویت بروز خلاقیت کودکان و نوجوانان مدنظر قرار گیرد. پژوهش حاضر هدف شناخت ماهیت خلاقیت، تاثیر رفتار متقابل والدین و مربیان با دانش آموزان و ارائه پیشنهاد های لازم به آنان را در نظر دارد.

محققان نشان دادند که در بعد بسط خلاقیت، تفاوت معناداری به نفع دختران وجود دارد. نتایج نشان داد که رابطه معناداری بین ابعاد کمالگرایی با خلاقیت وجود دارد. بدین صورت که ابعاد کمال گرایی ۲۰ درصد از واریانس خلاقیت را تبیین می کند و دختران نمره های بالاتری در متغیرهای خلاقیت و کمال گرایی منفی کسب کردند در حالی که پسران نمره های بالاتری در کمال

<sup>1</sup> Torrance

<sup>2</sup> Amabile

<sup>3</sup> Osborn

<sup>4</sup> Debono

<sup>5</sup> William James

گرایی مثبت به دست آوردند به نظر می‌رسد بین شیوه‌های فرزندپروری باخلاقیت در دانش‌آموزان ششم ابتدایی ارتباط وجود داشته باشد.

والدین برای فرزندان که انگیزه‌های لازم برای رسیدن به این هدف را داشته باشند که این انگیزه جرأت‌ورزی را برای آن‌ها درونی کرده و در کل برای اهداف والاتر و فرانیاز خود که همانا توسعه کشوری که در آن زندگی می‌کنند می‌توانند مؤثر باشند. خانواده‌ای می‌یابیم که به دلیل اشتباه کوچکی که فرزندش مرتکب شده، زبان به انتقاد از وی نگشاید و یا با سپردن مسئولیت به او بدون توجه به توانمندی‌هایش انتظار دارند که وی از عهده آن مسئولیت‌ها کاملاً برآید. اگر به درددل خانواده‌ها درباره وضعیت تحصیلی فرزندان‌شان گوش دهیم بیشتر از این که فرزندان‌شان نتوانسته‌اند نمره بیست بگیرند شکایت می‌کنند. (صدرالسادات، ۱۳۸۴).

هر خانواده شیوه خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد. این شیوه‌ها که شیوه‌های فرزندپروری<sup>۶</sup> نامیده می‌شوند. متأثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی-اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره می‌باشد. شیوه‌های فرزندپروری به عنوان مجموعه‌ای یا منظومه‌ای از رفتارها که تعاملات والد-کودک را در طول دامنه‌ی گسترده‌ای از موفقیت‌ها و صیف می‌کند و فرض شده است که یک جوتعاملی تأثیرگذار رابه وجود می‌آورد. شیوه‌های فرزندپروری یک عامل تعیین‌کننده و اثرگذار است که نقش مهمی در آسیب‌شناسی روانی و رشد کودک بازی می‌کند. بحث در مورد هر یک از مشکلات فرزندان بدون در نظر گرفتن نگرش‌ها و رفتارها و شیوه‌های فرزندپروری تقریباً تقریباً غیرممکن است، هر چند روانشناسان و نظریه-پردازان بر نقش والدین و شیوه‌های فرزندپروری تأکید می‌کنند، تحقیقات خیلی کمی در مورد شیوه‌های فرزندپروری و آسیب‌شناسی روانی کودک به عمل آمده است (شعاری نژاد، ۱۳۸۰).

بنابراین پژوهش حاضر با تمرکز بر دانش‌آموزان که رابطه شیوه‌های فرزندپروری با خلاقیت انجام می‌شود.

## ادبیات و پیشینه تحقیق

### خلاقیت

به نظردورن<sup>۷</sup> و پارو<sup>۸</sup>، خلاقیت استعداد پیچیده‌ای متمایز از هوش و کنش شناختی است و شاید تابع سیالی افکار، استدلال استقرایی، ارائه‌ای از صفات ادراکی، شخصیت و نیز هوش و اگر در حدی است که این هوش دستیابی به راه‌حل‌ها و فرآورده‌ها را مساعد می‌سازد. آرنولد<sup>۹</sup> و مایلی<sup>۱۰</sup> خلاقیت را به منزله ظرفیت دیدن روابط جدید، پدید آوردن اندیشه‌های غیر معمول و فاصله گرفتن از الگوهای سنتی تفکر می‌دانند.

مک کینون<sup>۱۱</sup> سه تعریف از خلاقیت به طریق زیر ارائه می‌دهد:

۱- اندیشه یا پاسخی تازه است که از نظر آماری نامعلوم است.

۲- پاسخ مناسب و شایسته‌ای است که مسأله‌ای را حل می‌کند، با موقعیتی سازگاری دارد و به حصول هدف یاری می‌دهد.

۳- موجب بینش واقعی و کارساز در حد اعلای خود می‌شود.

فرایند خلاقیت در ذهن شخص جدا از متغیرهای اجتماعی قرار نمی‌گیرد. واقعیت این است که خلاقیت نمی‌توان با تمرکز بر یک بعد نگرست. بعد فردی، محیطی، فرایندی و محصولی به تنهایی نمی‌توانند بیانگر ماهیت خلاقیت باشند.

<sup>6</sup> Child rearing practices

<sup>7</sup> Doron

<sup>8</sup> Parot

<sup>9</sup> Arnold

<sup>10</sup> Meili

<sup>11</sup> McKinnon

تعیین رابطه بین شیوه فرزند پروری سهل گیرانه با خلاقیت دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی

### ویژگی های افراد آفریننده

در این باره که افراد آفریننده یا خلاق چه ویژگی های شخصیتی دارند پژوهش های زیادی انجام گرفته و نظریات متعددی ابراز شده است. استاین مطالعات انجام شده درباره ویژگی های افراد آفریننده را مود بررسی قرار داده و برای آنان ویژگی های زیر را یافته است:

- انگیزه پیشرفت سطح بالا
- کنجکاوی فروان
- علاقمندی زیاد به نظم و ترتیب در کارها
- قدرت ابراز وجود خود کفایی
- شخصیت غیر متعارف، غیر رسمی، و کامروا
- پشتکار و انضباط در کارها
- استقلال
- طرز فکر انتقادی
- انگیزه های زیاد و دانش وسیع
- اشتیاق و احساس سرشار
- زیبا پسندی و علاقه مندی به آثار هنری
- علاقه کم به روابط اجتماعی و حساسیت زیاد نسبت به مسائل اجتماعی
- تفکر شهودی
- قدرت تاثیرگذاری بر دیگران

### عوامل موثر بر خلاقیت

دانش: از نظر استنبرگ، اوهاراولوبارت دانش نقش مهمی در خلاقیت دارد. غالباً ایده های خلاق شامل ترکیب معنی داری از چیزهای غیر مرتبط است. اگر یک فرد در زمینه خاصی فرهیخته باشد. ذهن وی قادر است تا ارتباط های غیر مرتبط را به علم متصل کند. غیرممکن است که فردی ایده های جدید درباره چیزی دارا بوده بدون اینکه درباره آن دانش داشته باشد. توانایی های عقلانی: استنبرگ، اوهاراولوبارت معتقدند که خلاقیت غالباً شامل برقراری روابط جدید و تعریف وجودمسائلی است. سبک های تفکر: افراد در روشی که ترجیح می دهند از توانایی های ذهنی خود استفاده کنند متفاوت هستند. سبک های تفکر، ترجیحات فرد برای استفاده از توانایی هایش به شیوه ای خاص است. استنبرگ معتقد است که ویژگی های شخصیتی افراد خلاق عبارت اند از: تحمل ابهام، تمایل به غلبه کردن بر موانع، اشتیاق برای رشد و پیشرفت، انگیزش درونی، مخاطره جویی، نیاز به شناسایی و تشخیص و اشتیاق برای کار به خاطر رسیدن به شناسایی و تشخیص. از نظر استنبرگ افراد خیلی خلاق، باجمع مقابله می کنند بسیار جدی و مصمم هستند. انعطاف پذیری دارند و تمایل برای غلبه بر موانع و مشکلات دارند (شمس اسفندآباد، ۱۳۸۶).

انگیزش: استنبرگ، اوهاراولوبارت بیان می کند که یکی از منابع دیگر خلاقیت انگیزش است. یعنی فردبلید برای انجام دادن کاری به صورت خلاق بر انگیزخته شود.

محیط: برای پرورش و شکوفایی خلاقیت، به محیط مساعد نیاز است. رفتار خلاق به متغیرهای محیطی مانند تنوع فرهنگی، قابلیت دسترسی به الگوهای خلاق، قابل دسترسی به منابع (حمایت های مالی) و دیگر عوامل مربوط به این حوزه نیازمند

است. افراد خلاق نیاز به حمایت و همکاری‌های مناسب برای انتقال دانش و تجربه دارند. استنبرگ، اوهارا و لوبارت معتقدند این محیط است که میزان خطر کردن را برای افراد خلاق تعیین می‌کند. روان‌شناسان معتقدند، افراد هنگامی از خطر کردن هستند که بین دو باخت بالقوه یکی را انتخاب کنند. نظام تشویق و تنبیه موجود در محیط بر ترجیحات سبک تفکر تأثیر دارند. افراد سبک‌هایی را ترجیح می‌دهند که پاداش دهنده باشند. در محیط‌های آموزش و حرفه‌ای اگر افراد همواره به خاطر پیروی کردن از دستورالعمل‌ها و قوانین یا یافتن نقایص کارهای دیگران مورد تشویق قرار گیرند، سبک اجرایی یا قضایی در آن‌ها مورد تشویق قرار گرفته است. اما اگر به افراد اجازه داده شود که به روش خود کارها را انجام دهند، آن‌ها به استفاده از سبک قانون‌گذارانه تشویق می‌شوند (شمس اسفندآباد، ۱۳۸۶).

رابطه خانواده و خلاقیت: آلبرت و رانکو راجع به تأثیر خانواده بر خلاقیت کودکان تحقیقات وسیعی کردند. آن‌ها دریافتند بچه‌ها و بزرگسالانی که در ریاضیات و علوم سرآمد بوده و از نبوغ برخوردارند زمینه‌های خانوادگی متفاوتی نسبت به سایر افراد داشته‌اند. مک کینون معتقد است رعایت این نکته‌ها از طرف والدین باعث می‌شود کودک در آینده فرد خلاق‌تری گردد:

- احترام زیاد
- آزادی عمل برای کشف جهان اطراف
- آزادی برای تصمیم‌گیری
- استقلال عمل
- عدم وابستگی زیاد بین کودک والدین
- عدم نگرانی والدین به خاطر کودک

محیط فAMILI وسیع چنان که کودک ملزم نباشد تنها خود را با شخصیت پدر و مادر تطبیق دهد و همانندسازی کند. دو جنبه اساسی در خانواده‌هایی که فرزندان خلاق دارند وجود یک ارتباط مثبت بدون وابستگی زیاد بین کودک و والدین و وجود یک جو آزاد و غیرمستبدانه است. طبیعی است که روش‌های سلطه جویی والدین منجر به دنباله روی و هماهنگی در کودکان می‌شود که مانع هرگونه ابتکار و خلاقیت است (کدیور و همکاران، ۱۳۸۷).

فراهینی ۱۳۹۲ درمقایسه والدین کودکان خلاق با کودکان غیرخلاق به این نتیجه رسید که: والدین کودکان خلاق معتقد به دادن استقلال به کودکان هستند و اراده و خواست آن‌ها را می‌پذیرند و به آن‌ها حق می‌دهند با والدین خود موافق نباشند. دادن استقلال به کودکان و آزادی فکر و عمل آن‌ها موجب کم شدن انکای آن‌ها به دیگران می‌گردد. در نتیجه می‌توانند با فکر و تجربه و عمل خویش قوه ابتکارشان را به کار بگیرند. انسان‌گرایی مانند راجرز و مزلو معتقدند استقلال درونی، عدم وابستگی مقاومت در برابر کنترل اجتماعی افراطی، برای فعالیت خلاق ضروری است. میلگرام موقعیت خانوادگی را از عوامل اساسی در تحقق توانایی‌های بالقوه انسان می‌داند. او استناد به تحقیقاتی می‌نماید که نشان داده‌اند رفتار و نگرش والدین و کمیت و کیفیت علائق آن‌ها و نحوه تعامل آن‌ها با بچه‌هایشان در رشد توانایی‌های فرزندان‌شان کاملاً موثر است.

### شیوه‌ی فرزندپروری

همه والدین از اینکه فرزندان‌شان چگونه باید باشد یا چه آگاهی‌هایی باید داشته باشند، کدام ارزش‌های اخلاقی و معیارهای رفتاری باید در فرآیند رشد بیاموزد، آشکارا یا تلویحاً تصویری آرمانی دارند. والدین برای سوق دادن کودک به سوی این اهداف راهبردهای بسیاری را می‌آزمایند. شیوه‌های فرزند پروری دارای دو مؤلفه مهم است. ۱- پذیرش ۲- کنترل

آر مک آدام و کوگ<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۴) اشاره می کنند که پذیرش نگرشی است در مورد کودکان که ممکن است از راه های مختلفی باتوجه به شخصیت والدین خود رانشان دهد والدین پذیرا فکرمی کنند که فرزندانشان خصوصیات مثبت بسیاری دارند و از بودن با آن ها لذت می برند. غالباً اظهارمحبت می کنند. والدینی که پذیرا نیستند غالباً از بودن با فرزندانشان لذت نمی برند. در بعد کنترل، والدین سخت گیر قواعد بسیاری رابه کودکان تحمیل می کنند مایلند از نزدیک، کودکان خود را نظاره کنند و دارای معیارهای قاطعی برای رفتار هستند که از فرزندانشان انتظار عملی کردن آن معیارها را دارند (ماسن و همکاران، ۱۳۸۰). هدف تمامی شیوه های پرورشی کودک، آماده سازی وی برای ایفای نقشی است که گروه و حوزه فرهنگی وی بر عهده اش می گذارد. کودکان چنان پرورش می یابند که بتوانند راه و رسم زندگی والدین خود را پی گیرند، والدین و آموزگاران واسطه انتقال آرمان های فرهنگی خود هستند (احدی و بنی جمالی، ۱۳۷۶).

### نقش خانواده در رشد شخصیت کودکان

علت بسیاری از ناسازگاری های اجتماعی کودکان را باید در نارسایی رابطه عاطفی کودک با مادر یا جانشین او جستجو کرد. این دانشمندان از تحقیقات خود در بازدیدش از هزار کودک با دشواری های رفتاری و خلق و خوی نامناسب نتیجه گرفت که اکثر این کودکان از خانواده های از هم گسیخته اند. بنابراین از هم پاشیدگی خانواده و رابطه عاطفی نامساعد و نامتعادل پدر و مادر در اکثر موارد علت اصلی خلق و خوی و رفتار دشوار کودکان است. باید توجه داشت که تأثیر جدایی کودک از مادر یا کمبودهای عاطفی ناشی از عدم مراقبت و توجه مادر یا جانشین او، تنها به دوران کودکی محدود نمی شود، بلکه کودکان بزرگتر را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. بی تفاوتی عاطفی اکثر بزهکاران جوان ناشی از شرایط نامساعد عاطفی است که قبل از سه سالگی آنان را متأثر ساخته است (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۶).

مادر در رشد اجتماعی کودک نقش سرنوشت سازی دارد. کودک در صورت محرومیت از توجه و محبت مادر قوانین اجتماعی را نمی پذیرد و رفتاری پرخاشگرانه و غیر اجتماعی دارد. عواطف و شخصیت مادر، در توجه و محبت به کودک تأثیر می گذارد. به عنوان نمونه، مادر افسرده، به کودک توجه و محبت نمی کند و نیازهایش را در حد مطلوب برآورده نمی سازد (شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۸۲).

تعریف مفهومی شیوه فرزند پروری سهل گیرانه: والدین دارای سبک سهل گیرانه بیشتر اجازه می دهند کودک هر کاری دوست دارد انجام دهد و هدایت و جهت دهی کمتری نشان می دهند. آن ها با کودک خود بیشتر شبیه دوست هستند تا والد. این والدین معمولاً خیلی ملایم و بامدارا هستند. آن ها عموماً دخالت کمتری دارند و تنها وقتی وارد می شوند که مشکل جدی پیش آمده است (کدیور و همکاران، ۱۳۸۷).

شیوه فرزند پروری سهل گیر در کودکی باعث می شود. کودک دارای عدم اعتماد به نفس، پایین بودن عزت نفس و کمی خود کنترلی در یادگیری مسائل اخلاقی و محدودیت های اجتماعی باشد. به همسالان و دیگران روی نمی آورد. این کودکان مشکلات رشدی گوناگونی دارند مثل ناتوانی در تحمل ناکامی ها و کنترل تکانه ها و رفتارهای پرخاشگرانه در ضمن در انتخاب اهداف طولانی مدت و دیگر انتخاب های زندگی با مشکل مواجه می شوند. فرزندانش والدین آسان گیر، خیلی ناپخته هستند آن ها در کنترل کردن تکانه هایشان مشکل داشتند و وقتی از آن ها می خواستند کاری را انجام دهند که با تمایلاتشان مغایر بود، اطاعت نمی کردند. ضمناً آن ها بسیار پرتوقع و وابسته به بزرگترها بودند و در مقایسه با کودکانی که والدینشان کنترل بیشتری اعمال می کردند در تکالیف پیش دبستانی استقامت کمتری نشان می دادند. رابطه ی بین تربیت آسان گیرانه و رفتار وابسته مخصوصاً در پسرها، نیرومند بود. فرزندانش این خانواده ها خوش خلق تر و سرزنده تر از خانواده های مستبد و مقتدر خواهند بود ولی رفتارهایشان غالباً

ناپخته بوده و فاقد توانایی کنترل رفتارهای تکانشی (مثل روی آوردن به سیگار، مواد مسکر و مخدر) و مسئولیت اجتماعی بوده و اعتمادبنفس ایشان ضعیف است. شواهد نشان می‌دهد که سهل‌گیری این والدین نسبت به پرخاشگری فرزندان‌شان یکی از عوامل سهمیم در رشد رفتار پرخاشگرانه در کودکان است. با وجود آنکه شیوهی تربیتی فرزند در خانواده‌های مستبد و سهل‌انگار متضاد یکدیگر می‌باشد. ولی فرزندان دو خانواده ازاعتمادبه نفس ضعیفی برخوردار بوده و پرخاشگرترند. کودکان ۱۴ تا ۲۰ ساله والدین غفلت‌کننده و بی‌توجه، خوشگذران و ولخرج می‌باشند و قادر به کنترل پرخاشگری‌شان نیستند. به مدرسه بی‌علاقه‌اند و بیشتر وقت خود را در خیابان‌ها و پاتوق‌ها می‌گذرانند. این نوجوانان لذت جو بوده و تحمل ناکامی را ندارند و نمی‌توانند هیجان‌های خود را کنترل کنند. ایشان فاقد اهداف طولانی مدت هستند. فرزندان این دسته در شکل شدید خود به گروه بزه‌کاران و منحرفان و منحرفان اجتماع ملحق می‌شوند. آنان از نظر عاطفی گسیخته شده، افسرده و بی‌علاقه می‌باشند و لذا کارکردهای روانی - اجتماعی‌شان مخدوش و آسیب دیده می‌شوند. یعنی می‌توان گفت این والدین در اشکال شدید از فرزندانشان سوءاستفاده می‌کنند (آزادی، ۱۳۸۲).

### تحقیقات انجام شده

در پژوهشی امیری و همکاران (۱۳۹۳) که با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری والدین با خلاقیت دانش‌آموزان پرداختند و عمده‌ترین نتایج تحقیق مبین عدم ارتباط سبک فرزندپروری آزادگذاری با خلاقیت و ارتباط مثبت معنادار سبک فرزندپروری اقتدار منطقی با خلاقیت است.

در پژوهشی، مرادیان و همکاران (۱۳۹۳) که با هدف بررسی آزمایش مدل رابطه علی بین سبک‌های فرزندپروری و عمل خلاقیت تحصیلی با واسطه خودکارآمدی تحصیلی و انگیزه پیشرفت در دانشجویان بود. نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدر اثر مستقیم مثبت و معنادار و سبک فرزندپروری مستبد اثر مستقیم منفی و معنادار بر خودکارآمدی تحصیلی و انگیزه پیشرفت دارند. سبک فرزندپروری آسان‌گیر اثر مستقیم منفی معنادار بر خودکارآمدی تحصیلی داشت اما اثر معنادار بر انگیزه پیشرفت نداشت. همچنین خودکارآمدی تحصیلی اثر مستقیم مثبت معنادار بر عملکرد تحصیلی دارد اما بین انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی رابطه معنادار وجود ندارد. همچنین، نتایج نشان داد که مدل پیشنهادی ازبرازش کافی برخوردار نیست، برازش بهتر از طریق حذف مسیر غیرمعنادار سبک فرزندپروری آسانگیر به انگیزه پیشرفت حاصل شد. به علاوه، اثرات غیرمستقیم کلی سبک‌های فرزندپروری مقتدر، مستبد و آسانگیر با عملکرد تحصیلی با واسطه انگیزه پیشرفت و خودکارآمدی تحصیلی معنادار بودند.

در پژوهشی فراهینی، افروز و رسول‌زاده طباطبایی (۱۳۹۲) که با هدف بررسی ارتباط میان شیوه‌های فرزندپروری والدین و کمرویی با خلاقیت در تیزهوشان است. نتایج نشان داد در گروه افراد با شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی مادر، در کمرویی پایین، کمترین فراوانی مربوط به خلاقیت در سطوح بسیار کم و کم بوده و بیشترین فراوانی مربوط به سطوح خلاقیت زیاد و بسیار زیاد است و یافته‌ها بین سطوح کمرویی و خلاقیت با توجه به سبک فرزندپروری منطقی نشان می‌دهد که میزان ضرایب هم‌خوانی برابر با ۰.۵۱ بوده است. به عبارتی، اکثر افرادی که تحت شیوه‌های فرزندپروری اقتدار منطقی بوده و دارای سطح کمرویی پایین هستند، از خلاقیت بالاتر از متوسط برخوردار هستند. بنابراین میان شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی و کمرویی پایین با خلاقیت در تیزهوشان رابطه مثبت وجود دارد.

در پژوهشی ختایی، (۱۳۹۲) که با هدف این مطالعه، بررسی رابطه بین خلاقیت دانش‌آموزان با انگیزه پیشرفت آنان در مدارس متوسطه دخترانه ناحیه ۱ این شهرستان ارومیه در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ است. تحلیل داده‌ها نشان داد همه مولفه‌های خلاقیت به خوبی می‌توانند انگیزه پیشرفت را پیش‌بینی کنند، و بین خلاقیت سیالی و بسط و ابتکار و انعطاف‌پذیری با انگیزه پیشرفت

تعیین رابطه بین شیوه فرزند پروری سهل گیرانه با خلاقیت دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی

درونی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد و بین خلاقیت سیالی و بسط و ابتکار و انعطاف پذیری با انگیزه پیشرفت بیرونی رابطه منفی وجود دارد. تقویت انگیزه پیشرفت درونی، ایجاد شرایط ظهور خلاقیت در متن برنامه های آموزش و پرورش قرار گیرد.

### روش تحقیق

روش پژوهش در تحقیق حاضر توصیفی- همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی شهر ملایر که به تعداد ۱۸۰۷ هزار نفر در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸، شامل می شود و با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس تعداد ۳۰ نفر از دانش آموزانی که در پایه ششم ابتدایی مشغول به تحصیل هستند را انتخاب و از آن ها آزمون به عمل آمد.

### ابزار گرد اوری اطلاعات

#### پرسشنامه شیوه های فرزند پروری دایانا بامریند

شیوه های فرزند پروری برخلاف رفتارهای خاص پرورشی از الگوهای فرهنگی پیروی نمی کند. یعنی شیوه های فرزند پروری در الگوهای مختلف فرهنگی و جوامع مختلف یکسان هستند (دارلینگ، استنبرگ<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۳). شیوه های فرزند پروری در ایران نیز از همان الگوهای یکسان مشابه جهان. شیوه های فرزند پروری در ایران نیز از همان الگوهای یکسان مشابه جهان پیروی می کند. بامریند (۱۹۷۳) در مجموعه بررسی های الگوهایی از شیوه های فرزند پروری والدین مشخص شد. وی برای مطالعات خود پرسشنامه ای را طراحی کرد که این پرسشنامه ابتدا به صورت ۴۸ سؤال اول، ۳۶ سؤال به وسیله لیست و یک متخصص در حوزه روان شناسی و جامعه شناسی، برای بیان دیدگاه اولیه بامریند در مورد والدین انتخاب شد. در نهایت از ۳۶ سؤال ۳۰ سؤال در مقیاس نهایی جای گرفت که نمره هر سؤال، مربوط به یکبار سطوح اقتدار منطقی، استبدادی و آزادگذاری می باشد. این پرسشنامه به نام خود او معروف است.

پایایی و اعتبار پرسشنامه شیوه های فرزند پروری: بوری<sup>۱۴</sup> (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش باز آزمایی در بین گروه مادران به شرح زیر گزارش نموده است. ۰/۸۶ برای شیوه های استبدادی، ۰/۷۸ برای شیوه های قاطع و اطمینان بخش و ۰/۸۱ برای شیوهی سهل گیر. همچنین پرسشنامه در بین پدران برای شیوهی استبدادی ۰/۸۵، برای شیوهی قاطع و اطمینان بخش ۰/۹۲ و برای شیوه سهل گیر ۰/۷۷ بدست آمده است. وی برای بررسی بیشتر میزان اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار افتراقی استفاده کرد. او مشاهده نمود که مستبد بودن مادر رابطه ی معکوس با سهل گیری (۰/۵۰-) و اقتدار منطقی وی (۰/۵۲-) دارد. در ایران برای اولین بار اسفندیاری (۱۳۷۴). فرم اصلی را ترجمه نمود و برای تعیین اعتبار آن اصلاحات لازم را به عمل آورده و جمله های دیگری نیز به آن اضافه نمود. سپس از ۱۰ نفر از صاحب نظران در زمینه روانشناسی و روانپزشکی خواست تا میزان اعتبار هر جمله را مشخص نموده و در صورت لزوم نظر اصلاحی خود را بیان نمایند. نتیجه ی این بررسی نشان داد که پرسشنامه دارای اعتبار خوبی است. وی برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش باز آزمایی استفاده کرد از ۱۲۰ نفر از مادران نمونه خواست تا پرسشنامه ی مذکور را پاسخ دهند. بعد از گذشت یک هفته مجدداً پرسشنامه توسط همان افراد تکمیل گردید. میزان پایایی برای شیوه سهل گیر ۰/۶۹ برای شیوهی استبدادی ۰/۷۷ و برای شیوهی اقتدار منطقی ۰/۷۳ بدست آمد. روش نمره گذاری پرسشنامه دایانا بامریند: این پرسشنامه شامل ۳۰ جمله می باشد که با جمله ی آن به شیوه سهل گیرانه (جملات شماره های ۲۸ و ۲۴ و ۲۱ و ۱۹ و ۱۷ و ۱۴ و ۱۳ و ۱۰ و ۶ و ۱) و ۱۰ جمله ی آن به شیوه مستبدانه (جملات

<sup>13</sup> Darling & steinberg

<sup>14</sup> Buri



شماره‌های ۲۹ و ۲۶ و ۲۵ و ۱۸ و ۱۶ و ۱۲ و ۹ و ۷ و ۳ و ۲ و ۱۰ جمله‌ی دیگر آن به شیوه قاطع و اطمینان بخش (جملات شماره‌های ۳۰ و ۲۷ و ۲۳ و ۲۲ و ۲۰ و ۱۵ و ۱۱ و ۸ و ۵ و ۴) مربوط می‌شود. در مقابل هر سؤال از پرسشنامه بامریند مقیاس ۳۰ درجه لیکرت قرار دارد که به ترتیب به گزینه‌های کاملاً مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم و کاملاً موافقم نمرات ۰ و ۱ و ۲ و ۳ و ۴ اختصاص داده می‌شود. و مادر دانش‌آموزان میزان موافقت خود را با هر یک از جملات، علامت‌گذاری می‌کند سپس نمرات هر یک از ۱۰ سؤال جمع و یک نمره بین ۰ تا ۴۰ برای هر سطح از شیوه‌های فرزند پروری بدست می‌آید. به عبارت دیگر هر مادر در هر پرسشنامه دارای سه نمره مجزا می‌باشد که مربوط به سه سطح شیوه فرزند پروری اقتدار گرا، استبدادی و سهل گیرانه می‌باشد.

### پرسشنامه خلاقیت عابدی

آزمون خلاقیت عابدی (۱۳۷۲) یک آزمون مستقل از فرهنگ شامل ۳ گزینه است که ویژگی‌های انعطاف ناپذیری، سیالی، بسط و ابتکار را ارزیابی می‌کند. اعتبار آزمون عابدی ۰/۶۴ و پایایی آن ۰/۷۶ (در نمونه آمریکایی) گزارش شده است. این آزمون قبل از اجرا به فارسی ترجمه شد. در این پژوهش، قابلیت اعتماد و اعتبار آزمون، هم زمان با اجرای طرح تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. جهت ارزیابی اعتبار پرسشنامه خلاقیت عابدی نمونه دیگری شامل دو گروه تشکیل شد. گروه اول (N=۴۰) را برگزیدگان جشنواره خوارزمی در طی سال‌های ۸۳-۱۳۸۱ تشکیل می‌دادند که به عنوان گروه خلاق انتخاب شدند و گروه دوم (N=۴۰) شامل دانشجویان رشته روانشناسی) که به لحاظ جنس و مقطع تحصیلی با گروه برگزیده هم‌تاسازی شده بودند. پرسشنامه‌ی خلاقیت برای گروه اول از طریق پست ارسال گردید و در مجموع ۳۳ آزمودنی پرسشنامه را تکمیل کردند و باز پس فرستادند. بنابراین در مجموع تعداد اعضای نمونه در اعتباریابی آزمون خلاقیت عابدی ۶۶ نفر بود. اعتبار پرسشنامه عابدی جهت برآورد اعتبار آزمون، از روش اعتبار تفکیکی استفاده شد. تفاوت میانگین نمرات دو گروه خلاق و غیر خلاق به وسیله آزمون T برای گروه‌های مستقل محاسبه گردید. باتوجه به داده‌های جدول مشاهده می‌شود که تفاوت میانگین موجود بین گروه برگزیدگان خوارزمی به عنوان افراد خلاق و دانشجویان عادی معنادار بود و به عبارتی آزمون خلاقیت عابدی توانسته است تفاوت بین افراد خلاق و افرادی که به عنوان گروه خلاق و برگزیده شناخته شده‌اند را نشان می‌دهد. به همین علت جهت آزمون از اعتبار کافی برای سنجش خلاقیت در نمونه ایرانی برخوردار است.

شیوه نمره‌گذاری آزمون این گونه است که در ازای هر پاسخ (الف) تا (ج) ۰ تا ۲ امتیاز تعلق می‌گیرد. در پژوهش عابدی و همکاران (۲۰۰۲) ضریب پایایی کل پرسشنامه ۰/۹۲ بدست آمد و برای مقیاس‌های تکرار و مرور ذهنی ۰/۷۵، بسط و گسترش معانی ۰/۷۶، و سازمان دهی ۰/۷۷ می‌باشد.

جدول ۱- نتایج آزمون t در بررسی تفاوت نمره خلاقیت در دو گروه خلاق و غیر خلاق

| شاخص گروه | تعداد | تفاوت میانگین | T   | درجه آزادی | سطح معناداری |
|-----------|-------|---------------|-----|------------|--------------|
| خلاق      | ۳۳    | ۷/۷           | ۲/۸ | ۶۴         | ۰/۰۰۷        |
| غیر خلاق  | ۳۳    |               |     |            |              |

برای اجرای پرسشنامه همدت زمان متغیری بین ۵ تا ۱۰ دقیقه به طول انجامید. پس از اجرای به جمع‌آوری پرسشنامه‌ها پرداخته شد. پس از جمع‌آوری پرسشنامه هابه نمره‌گذاری آنها پرداخته شد و پس از آن به وسیله روش‌های آماری متناسب باروش تحقیق از طریق نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ به تحلیل داده‌های حاصل از اجرای پرسشنامه‌ها پرداخته شد.

تعیین رابطه بین شیوه فرزند پروری سهل گیرانه با خلاقیت دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی

## نتایج

### یافته‌های توصیفی

جدول (۲) شاخص‌های توصیفی شیوه‌های فرزند پروری و خلاقیت گروه نمونه را گزارش می‌کند.

جدول ۲- شاخص‌های توصیفی

| شاخص       |       | انحراف معیار | کوچکترین نمره | بزرگترین نمره |
|------------|-------|--------------|---------------|---------------|
| سهل گیرانه | ۱۷/۲۳ | ۴/۴۵         | ۱۰            | ۲۵            |
| خلاقیت     | ۹۵/۷۰ | ۹/۰۱         | ۷۵            | ۱۱۲           |

### یافته‌های استنباطی

آزمون فرضیه: بین شیوه‌های فرزند پروری والدین سهل گیرانه با خلاقیت دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی رابطه وجود دارد. با توجه به اینکه هر متغیر دارای توزیع نرمال می‌باشند، همبستگی آن‌ها با استفاده از ضریب پیرسون مورد آزمون قرار می‌گیرد. جدول ۳ همبستگی بین شیوه‌های فرزند پروری سهل گیرانه با خلاقیت را نشان می‌دهد

جدول ۳- همبستگی پیرسون بین شیوه‌های فرزند پروری سهل گیرانه با خلاقیت

| متغیر      | خلاقیت             |
|------------|--------------------|
| سهل گیرانه | ***۰/۹۴۲-<br>۰/۰۱۲ |

\*\*\*P< 0/01 \*\*P< 0/05

باتوجه به اطلاعات جدول (۳)، بین شیوه‌های فرزند پروری والدین سهل گیرانه با خلاقیت دانش آموزان دختر پایه ششم رابطه منفی و معنادار ( $a = 0/05$ ) وجود دارد.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق تعیین رابطه بین شیوه فرزند پروری سهل گیرانه با خلاقیت دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی بود و یافته‌ها حاکی از آن است که بین شیوه‌های فرزند پروری والدین سهل گیرانه با خلاقیت دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی رابطه وجود دارد.

فرضیه پژوهش که، در بین دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی انجام شد. نتیجه نشان داد که بین شیوه فرزند پروری سهل گیرانه با خلاقیت دانش آموزان دختر پایه ششم رابطه منفی و معنادار وجود دارد. تایید شد که با یافته‌های امیری و همکاران (۱۳۹۳) مرادیان و همکاران (۱۳۹۳) فراهینی و همکاران (۱۳۹۲) ختانی، (۱۳۹۲) همسو می‌باشد.

نتایج که نشان دهنده این مطلب است که می‌توان دریافت آزمودنی‌ها با داشتن خلاقیت بالا، دستیابی به ایده‌های نوبا هدف حل مشکلات با صحیح‌ترین راه حل و روش، به گونه‌ای که هر نوع تلاش و کوششی در زمینه اصلاح، کوتاه‌سازی، بهینه‌سازی اقتصادی و ... را که موجب بهبود و بهتر شدن فعالیت از روش جدید شود، علاوه بر این با استفاده از نیروی ذهن و قوای جسمانی در پرداختن به انبوه تصورات، رفتارها و در نتیجه بازدهی‌هایتان در واقع اقدام به ایجاد خلاقیت شده است و هر چه در به کارگیری شیوه فرزند پروری مناسب بر اساس باورها و توانایی خود برای درگیر شدن در اعمال، افکار، احساسات و پیگیری پیشرفت

تحصیلی ارزشمند موفق هستند و هدف‌های پیشرفت نیز با توجه به داشتن راهبرد مناسب برای پیشرفت تحصیلی، را هوشمندانه انتخاب می‌کنند.

بنابراین می‌توان گفت هرچه شیوه فرزند پروری سهل‌گیرانه نمره بالاتری گرفته باشد و از این روش برای تربیت فرزندان خود استفاده کرده‌اند، این دانش‌آموزان خلاقیت بالاتری برخوردار است و در نتیجه پیشرفت تحصیلی آن‌ها بالاست و هرچه والدین بیشتر از این شیوه استفاده کرده باشند، خلاقیت در این دانش‌آموزان با افت همراه است و نمره کمتری کسب کرده است و در نهایت با افت تحصیلی همراه است. و این نشان دهنده ارتباط منفی و معنادار است. در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین پاسخگویی بالایی نسبت به فرزند خود دارند اما انتظار خاصی از او ندارند و در همه جا از او حمایت می‌کنند. معمولاً این نوع سبک فرزندپروری در مورد تک‌فرزندان اتفاق می‌افتد و به محض اینکه کودک گریه می‌کند والدین آنچه او می‌خواهد را در اختیار فرزند خود قرار می‌دهند. سبک غفلت نوعی سبک فرزندپروری است که در آن نه انتظاری وجود دارد و نه پاسخگویی‌ای. معمولاً والدین فقط به تولید نسل پرداخته و خدمات لازم را به فرزندان خود ارائه نمی‌دهند. تک‌فرزندان در صورتی کودکانی لوس، پرتوقع، بی‌دست و پا و ناتوان در اراده خود بار می‌آیند که پدر و مادر سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه را در پیش گیرند زیرا در این روش والدین متمرکز بر خواسته‌های فرزندان خود هستند. آن‌ها افرادی ضعیف در برابر مشکلات و موقعیت‌های پیچیده هستند. در این موقعیت‌ها به هیچ وجه نمی‌توانند از تفکر خلاق خود بهره بگیرند. افرادی خودخواه، عجول هستند، که معمولاً کودکانی که با این شیوه پرورش یافته‌اند دچار افت تحصیلی هستند و حتماً در زندگی اجتماعی خود در برابر مشکلات مقاوم نیست و نمی‌توانند از راه حل‌های خلاقانه استفاده کنند.

### محدودیت‌های پژوهش

- ۱- داده‌های پژوهش حاضر از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است. معمولاً سؤالاتی که به نحوه واکنش افراد در مقابل دیگران باشد مقاومت زیادی را از طرف پاسخگویان در پی دارد که از محدودیت‌های اصلی این پژوهش است.
- ۲- جامعه آماری مورد مطالعه پژوهش حاضر مربوط به دانش‌آموزان ابتدایی شهر ملایر بوده است، لذا تعمیم آن به سایر جوامع آماری به احتیاط انجام گیرد.
- ۳- نبود زمان و هزینه کافی برای پژوهش گسترده‌تر
- ۴- عدم همکاری بیشتر از کلاسها مدارس و برخی دانش‌آموزان و والدین آن‌ها بدلیل تعطیلی فیزیکی کلاس‌های درس با توجه به شرایط موجود زمان حال برای بیماری کرونا
- ۵- طولانی شدن اجرای آزمون وافتادن فاصله‌های زمانی بین اجرای آزمون‌ها به دلیل پراکنده بودن انتخاب دانش‌آموزان و والدینشان

### پیشنهادهای کاربردی

۱. پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش با برگزاری دوره‌های آموزشی شیوه‌های فرزندپروری با جدیدترین شرایط روزرسانی شده به خانواده‌های دانش‌آموزان زمینه‌های بروز و پرورش خلاقیت را فراهم آورد.
۲. پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه اثر منفی در بروز خلاقیت دارد، لازم است با شیوه‌های آموزشی نوین از خانواده‌هایی که از این روش‌ها استفاده می‌کنند به تغییر شیوه فرزندپروری بپردازند.
۳. به منظور قابلیت هر چه بیشتر در تعمیم نتایج، بهتر است پژوهش‌های مشابهی بر روی گروه‌های وسیع‌تر و در سایر شهرها و جوامع که قابل تعمیم باشند صورت گیرد.
۴. پیشنهاد می‌شود برای جمع‌آوری اطلاعات از شیوه‌های دیگر به غیر از پرسشنامه نیز استفاده شود. به طور مثال از مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته می‌توان استفاده کرد.

## منابع

- اسفندیاری، غلامرضا. (۱۳۷۴). مقایسه شیوه های فرزند پروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتار و تاثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری. پایان نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی تحقیقات روانپزشکی تهران.
- امیری، مهدی، دودمان، پروانه، پرتابیان، اکبر. (۱۳۹۳). بررسی رابطه ی سبک های فرزند پروری والدین با خلاقیت دانش آموزان، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی. مطالعات اجتماعی و فرهنگی. تهران، موسسه آموزش عالی مهر ارونند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- آزادی، شهذخت. (۱۳۸۲). بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری والدین با کمرویی دختران شهرستان نورآباد، سال تحصیلی ۸۱-۸۲. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روان شناسی عمومی، دانشگاه الزهراء .
- تورنس، ئی پال. (۱۳۷۲). استعدادها و مهارت های خلاقیت. مترجم دکتر حسن قاسم زاده، نشر دنیای نو.
- جهانی، جعفر. (۱۳۸۵). بررسی تحلیل و مقایسه ای تاثیر رویکردهای مختلف آموزش خلاقیت بر پرورش روحیه پرسشگری کودکان و نوجوانان. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز.
- حسینی نسب، داوود، احمدیان، فاطمه، روانبخش، محمدحسین. (۱۳۸۴). بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری با خودکارآمدی و سلامت روانی. فصلنامه مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، مشهد.
- حسینی، افضل السادات. (۱۳۸۷). خلاقیت و رشد آن در سازمان. فصلنامه تحول اداری، دوره چهارم، شماره ۱۷.
- ختایی، خاطره. (۱۳۹۲). بررسی رابطه خلاقیت دانش آموزان با انگیزه پیشرفت تحصیلی آنان در مدارس متوسطه دخترانه ناحیه ۱ شهرستان ارومیه در سال تحصیلی ۹۱-۹۲. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه ارومیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- سلیمانی، افشین. (۱۳۸۱). کلاس خلاقیت، تهران. انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- سیف نراقی، مریم، نادری، عزت الله. (۱۳۸۶). کودکان عقب مانده ذهنی و روش های آموزش آن ها. تهران، انتشارات سمت.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۵). روانشناسی پرورشی. تهران، نشر آگاه.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۰). روان شناسی رشد. تهران، انتشارات اطلاعات.
- شفیع آبادی، عبدالله، ناصری، غلامرضا. (۱۳۸۲). نظریه های مشاور و روان درمانی. تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- شمس اسفندآباد، حسن. (۱۳۸۶). روانشناسی تفاوت های فردی. تهران، انتشارات سمت.
- صدرالسادات، سید جلال و همکاران. (۱۳۸۴). مقایسه شیوه های فرزند پروری و کارکرد خانواده در خانواده های بدسرپرست دارای اختلالات رفتاری و عادی. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد.
- عابدی، جمال. (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه ای نو در اندازه گیری آن. پژوهش های روانشناختی، دوره ۲، شماره ۲.
- فراهینی، ندا، افروز، غلامعلی، رسول زاده طباطبایی، سید کاظم. (۱۳۹۲). رابطه ی شیوه های فرزند پروری والدین و کمرویی با خلاقیت در تیزهوشان. روان شناسی مدرسه، دوره ۲، شماره ۴، ۱۵۳-۱۳۷.
- کدیور، پروین، همایونی، علیرضا. و پور عبدلی، محمد. (۱۳۸۷). رابطه بین شیوه های فرزند پروری مادر و فرزند پروری ادراک شده بامکان کنترل و خودپنداره فرزند. فصلنامه دانش و پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان.
- ماسن، پاول هنری، کیگان، جروم، هوستون، کانجر. (۱۳۸۰). رشد و شخصیت کودک. (ترجمه: مهشید یاسایی)، تهران، نشر مرکز.
- مرادیان، جلال، عالی پور، سیروس، شهینی ییلاق، منیجه. (۱۳۹۳). رابطه علی بین سبک های فرزند پروری و عملکرد تحصیلی با واسطه خودکارآمدی تحصیلی و انگیزه پیشرفت در دانشجویان. فصلنامه روانشناسی خانواده، دوره ۱، شماره ۱، ۶۳-۷۴.
- مفیدی، فرخنده. (۱۳۷۱). سمپوزیوم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش دوره ابتدایی. چاپ اول، انتشارات تربیت.

- Abedi, J. (2002). A latent-Variable modeling approach to assessing reliability and validity of a creativity instrument. *creativity Research journal*, 14(2), 267-276.
- Amabile, T. M. (1996). *Creativity in context*. Oxford, UK: West View.
- Baumrind, d. (1973). *Monographs Psychology Developmental*. authoritynparental of theories Current-21.103-1.
- Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57, 110-119.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113, 487-496.
- Debono, E. (1986). *Lateral thinking*. New York: Penguin Books.
- McAdam, R., & Keogh, W. (2004). Transitioning towards creativity and innovation measurement in SMEs. *Creativity and Innovation Management*, 13(2), 126-139.